



تلنگر

کمک نکنید اگر...



نفر بعدی سهراب و نفر سوم محسن و بقیه بچه‌ها. گفتیم: «خیلی خوب به ترتیب از همین اولین نفر شروع می‌کنیم گفتیم: «حمید شروع کن دیگه». نوبت به محسن رسید. هیچان عجیبی داشتیم. دیدن صحنه شکسته شدن تبلت محسن و عکس‌العملش برام خیلی جالب بود. چشم بسته قدم برداشت. بچه‌ها هم تشویقش می‌کردند. محسن به صندلی که رسید بی‌اختیار دستش به لبه صندلی خورد و با صدای افتادن تبلت چشماشو باز کرد.

همکلاسی‌ها که جلوی در کلاس بودند با شنیدن صدای افتادن تبلت فوراً خودشون رو به صندلی محسن رساندند و شروع کردن به نج‌نج کردن و تأسف خوردن. قند تو دلم آب شد. محسن هاج و واج به تبلت که حالا شکسته شده بود خیره شد.

منم با کنایه گفتیم: «محسن تبلت خریدی؟ مبارک باشه! یعنی نه دیگه حیف شد که شکست. چقدر شبیه تبلت من بود. حالا چند خرید بودی؟»

محسن با قیافه درهم رو کرد به من و گفت: «تبلت من؟ من که تبلت نخریدم.» گفتیم: «تخریدی؟ پس بهت هدیه داده بودن؟» محسن گفت: «هدیه؟ نه بولی میخوام بخرم.» بعد با حالت شرمندگی رو کرد به من و گفت: «خیلی شرمنده، جداً حواسم نبود. اصلاً ندیدمش. خودتون که دیدین. عذر میخوام و...»

گفتیم: «چی میگی؟ چرا من بیخشم؟» گفت: «آخه تبلت تونه دیگه!»

با تعجب گفتیم: «تبلت من؟ تبلت من که تو کیفمه.» و فوراً برای اینکه نشونش بدم دست بردم تو کیفم تا تبلتم رو نشونش بدم اما هر چی گشتم ندیدم.

در همین حال محسن گفت: «زنگ ورزش که خورد دنبال لباس ورزشی می‌گشتی. کتاب‌ها تو میز صندلی بخش بود. حواست نبود تبلت تو دستت رو گذاشتی روی میز من و بعد با عجله رفتی بیرون. یادت رفته؟»



چی فکر کردم

چی شد!



نویسنده و تصویرگر: حسین گشتکار

صندلی تا من ببینم. صندلیش درست بغل دست من بود. آه چقدر متنفرم از آدمی که با من لجبازی می‌کنه. اصلاً چرا اون باید این کار رو بکنه. خب میتونست یک مدل دیگه‌ای به غیر از مدل تبلت من بخره. این همه مدل‌های مختلف تو بازار هست. الانم جلوی بچه‌ها میخواد روی منو کم کنه. نه دیگه بیشتر از این نباید بهش رو بدم. باید درس عبرتی بهش بدم که یادش نره.

تبلتش روی میز صندلیش بود با خودم نقشه‌ای کشیدم. میز صندلی قدری شیب داشت. امکان داشت با یک تکان صندلی، تبلت محسن لیز بخوره و به زمین بیفته. تو ذهنم نقشه‌ای کشیدم. باید کاری کنم که تبلت لیز بخوره و از روی صندلی به زمین بیفته. وقتی نقشه‌ام را عملی کردم فوراً از کلاس آمدم بیرون. چند دقیقه بعد که زنگ مدرسه به صدا در اومد سعی کردم جلوتر از همه وارد کلاس بشم. رو کردم به بچه‌ها که هنوز جلوی در کلاس بودند گفتیم: «صبر کنین وایسین، بچه‌ها کی میتونه از اینجا چشم بسته بره سر جاش بنشینه بدون اینکه ذره‌ای به صندلی یا میز کسی بخوره؟» تقریباً همه بچه‌ها اعلام آمادگی کردن. اولین نفر حمید بود،

کلاس ورزش تو حیاط مدرسه خیلی فعالیت داشتیم. سر و صورت‌م رو شستم و از معلم اجازه گرفتم که بیا تو کلاس تا صورت‌م رو که شسته بودم با حوله خشک کنم. تو کلاس چشمم به صندلی‌ام افتاد. کتاب‌ها پخش بودن روی میز و صندلی. اول زنگ ورزش با عجله لباس ورزشی‌ام رو برداشته بودم و فرصت نشد که کتاب‌هایم رو از روی میز و صندلی جمع و جور کنم. اگه معلم میدیدم برام زشت میشد. ممکن بود جلوی محسن، همکلاسیم که خیلی با من رقابت داره بهم انگ بی‌نظمی بزنه. یکدفعه چشمم خورد به صندلی محسن. به‌به بالاخره محسن هم تبلت خرید.

از چیزی که دیده بودم هم تعجب کردم هم متنفر شدم. حالا دیگه صدر صد باورم شد که محسن هنوز دست از رقابت با من برنداشته. اینم یکی دیگه از لجباز باشه. چون از وقتی که تبلت منو دیده بود به همه بچه‌ها گفته بود میخواد یک تبلت مثل تبلت من با همون شکل و مدل بخره. اصلاً لجبازی عادتش بود. تو درس خوندن، تو ورزش، تو فعالیت‌های مدرسه همیشه با من رقابت میکرد. پس بالاخره کار خودشو کرد. حالا هم عمداً تبلتش رو طوری گذاشته بود روی

شک رخند

پیانو: پزشک: خب من گچ دست را باز می‌کنم تا دیگر ناراحتی نداشته باشی. بیمار: متشکرم دکتر جان. حال‌امی توامم پیانو بزنم؟ پزشک: بله جانم حتماً. بیمار: آخ جون. چون من تا حالا، پیانو زدن بلد نبودم.



خرید

شخصی از تیراندازی پرسید: آقا شما چکار می‌کنید که همیشه تیران به وسط دایره هدف می‌خورد؟ تیرانداز گفت: این که کاری ندارم، من اول تیر را می‌اندازم، بعد سعی روم دور آن یک دایره می‌کشم!



بول آژانس

کدایی به مرد بولداری رسید و گفت: آقا لطفاً ۵۰۰ تومان به من بدهید تا با اتوبوس به منزل بروم. بولداری گفت: می‌بخشید، من فقط ۱۰۰۰۰ تومانی دارم. گدا گفت: اشکالی ندارد، مجبورم با آن‌س پروم!



گرگ

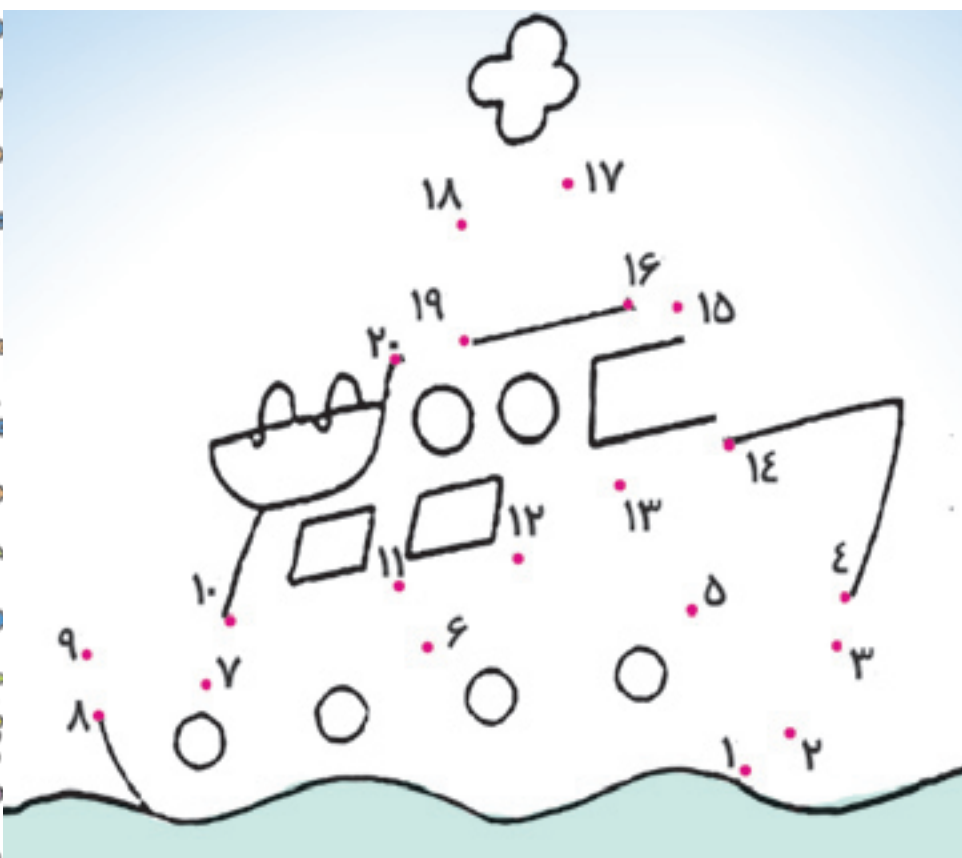
معلم: کدام حیوان است که به انسان علاقه زیادی دارد؟ دانش آموز: آقا! گرگ گر سنه!



پروانه ویژه کودکان

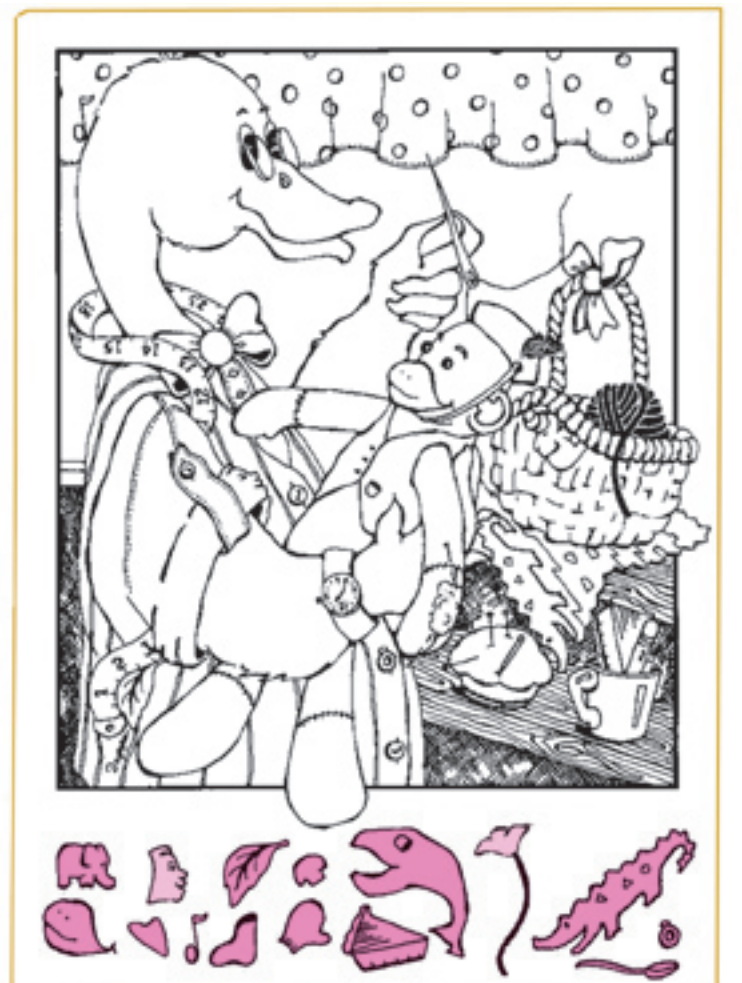
نقاش کن

ابتدا با مداد نقطه‌ها را به ترتیب شماره از ۱ تا ۲۰ بهم وصل و سپس به دلخواه خودتان رنگ آمیزی کنید



دقت کن

پیدا کن ابتدا به اشیای صورتی رنگ پایین تصویر نگاه کنید. بعد آنها را که در تصویر اصلی پنهان شده‌اند، پیدا کنید



۱۰ اختلاف این دو تصویر به ظاهر مشابه را پیدا کنید

